

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و سوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 25 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که سخن مخالفین خبر واحد و موافقین فی الجملة ذکر شد.

در کلام مرحوم سید مرتضی مطلبی ذکر شده است که قابل ملاحظه است؛ ایشان کلام موافقین حجیت خبر واحد را ذکر کردند و به آنها پاسخ دادند.

یکی از دلیل های که موافقین آوردند این بود که شما چطور در باب فتوا، معاملات و شهادت خبر واحد را می پذیرید اما با این حال خبر واحد را نمی پذیرید؟!

مرحوم سید پاسخ باب افتا و معاملات را در جلسه قبل دادند؛ در مورد معاملات فرمودند بخشی از معاملات ملحق به باب عقلیات است مانند قبول هدایا و... یعنی شارع در این موارد تاسیس ندارد و اگر چیزی هم هست قبلاً عرف عقلا عمل کرده اند و شارع هم امضا کرده است و در چنین مواردی غلبه ظن کافی است.

بله اگر چیزی از تاسیسات عقلا نباشد مثل اینکه شی نجس به بول را دو بار باید شست و... در این مورد ما خبر واحد را قبول نداریم.

برخی معتقدند که در باب معاملات ما چیزی غیر از لا تظلمون و لا تظلمون نداریم؛ آیا مرحوم سید مرتضی می خواهد چیزی شبیه این مطلب را بگوید؟

عبارت مرحوم سید به قرار زیر است.

الذریعة إلى أصول الشريعة؛ ج2؛ ص72

و أما أخبار المعاملات فلا تشبه ما نحن فيه، لأنها منقسمة إلى أمرين: أحدهما يلحق بالعقلیات و هو قبول الهدایا، و الإذن فی دخول الدار و الشرع ورد بإقرار ذلك، لا باستیناف حکم له، و لذلك لم یميز العدل فيه من غیره، و لا البالغ من الصبی، لأن المعول فی ذلك علی غلبة الظنّ و ما یقع فی القلب. و القسم الثانی ما یجری مجرى الشرع من قبول قول الواحد فی طهارة الماء و نجاسته و فی القبلة و دخول الوقت، و هذا فرع من فروع خبر الواحد، فلا الأوّل یجوز أن یجعل أصلاً، لأنه عقليّ، و لا الثانی، لأنه فرع و تابع.

آیا واقعا سید می خواهد این حرف را بزند؟ آیا می شود از این اندیشه دفاع کرد؟ آیا می شود قائل به تفصیل شویم و بگوییم در معاملاتی که شارع تاسیس ندارد خبر بچه یا غیر عادل هم پذیرفته است اما در معاملاتی که شارع تاسیس دارد خبر واحد پذیرفته نیست؟

این یکی از محورهای بحث ماست که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

یکی دیگر از دلیل های که موافقین حجیت خبر واحد ذکر کرده اند این است که پذیرش خبر واحد یک ضرورت است و نمی شود آن را کنار گذاشت.

مرحوم سید مرتضی می فرماید: آیا واقعاً شما کار میدانی کرده اید؟! به نظر می رسد اصلاً با عدم پذیرش خبر واحد ما ضرورتی را کنار نمی گذاریم چرا که هر حادثه شرعی را می شود با ادله قطعی (قرآن، روایات محفوف به قرائن قطعی و عقل) به آن رسید.

نکته: مرحوم سید مرتضی خبر واحد را کنار می گذارد و به عقل مجال می دهد نقطه مقابل ایشان مرحوم آقای خویی است که اصلاً به عقل مجال نمی دهد.

یکی از محورهای محل بحث این بود که واقعاً محل گفتگو کجاست؟ آیا مخالفان خبر واحد هر خبر واحدی را انکار می کردند یا خبر واحد غیر محفوف بالقرینه قطعی را؟

از کلام شیخ مفید و سید مرتضی بر می آید که ایشان خبر واحد غیر محفوف بالقرائن را داخل در محل بحث می دانند و خبر واحد محفوف بالقرائن را داخل در بحث نمی دانند؛ این دو بزرگوار فرقی هم بین خبر موثوق به و خبر ثقة نمی گذارند.

آیا اختلافات سر اخبار مبین شریعت است یا اخبار مبین معارف هم داخل در بحث است؟

از کلام سید مرتضی بر می آید که اختلافات سر کل اخبار، اعم از مبین شریعت و معارف است.

آیا نزاع صغروی است یا کبروی؟

ممکن است بعد از چندین جلسه به این نکته برسیم که دعوا صغروی است یعنی موافقین حجیت چون خبر واحد را مصداق اطمینان می دانند می پذیرند و منکرین خبر واحد را مصداق اطمینان نمی دانند و لذا انکار می کنند .

از کلام شیخ مفید و سید مرتضی نزاع کبروی برداشت می شود.

یکی از کسانی که جز مخالفان حجیت خبر واحد مطرح است مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان است ایشان ذیل آیه نبا می فرماید: از این آیه استفاده می شود که خبر واحد غیر علمی حجت نیست. وایشان در ادامه می فرماید از معجزات این است که برخی برای حجیت خبر عادل به این آیه تمسک می کنند.

و الحمد لله رب العالمین